

## درسنامه

- ۱- ترجمه‌ی فعل ماضی
- ۲- ترجمه‌ی فعل مضارع
- ۳- نکات فرعی ترجمه‌ی فعل
- ۴- ترجمه‌ی فعل امر
- ۵- ترجمه‌ی مبتدا و خبر
- ۶- ترجمه‌ی نواسخ
- ۷- ترجمه‌ی معرفه و نکره
- ۸- ترجمه‌ی وصف و اضافه
- ۹- ترجمه‌ی منصوبات
- ۱۰- سایر موارد ترجمه
- ۱۱- چهارتایی‌ها
- ۱۲- روش حل در یک نگاه

## ترجمه‌ی فعل ماضی

درسنامه  
۱

### فعل ماضی ساده

این فعل معادل گذشته‌ی ساده در زبان فارسی می‌باشد.

ذَهَبَ (رفت)      ذَهَبَا (رفتند)، ...  
ذَهَبْتُ (رفتم)      ذَهَبْنَا (رفتیم)

در حالت منفی به دو شکل ظاهر می‌شود:

۱) ما ذَهَبْ: نرفت (حرف «ما» بر سر فعل ماضی ساده)  
۲) لَمْ يَذْهَبْ: نرفت (حرف «لم» بر سر فعل مضارع همین صیغه<sup>(۱)</sup>)

یعنی:

فعل ماضی ساده در حالت مثبت: ذَهَبْ: رفت. فعل ماضی ساده در حالت منفی: لَمْ يَذْهَبْ: نرفت  
این فعل در صیغه‌های مختلف چنین خواهد بود:

ما ذَهَبْ یا لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)      ما ذَهَبَا یا لَمْ يَذْهَبَا (نرفتند)، ...  
ما ذَهَبْتُ یا لَمْ أَذْهَبْ (نرفتم)      ما ذَهَبْنَا یا لَمْ نَذْهَبْ (نرفتیم)

### مثال

ریاضی ۸۹

«إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ صَارُوا مِفَاتِيحَ لَأَبْوَابِ الْهِدَايَةِ وَ أَقْفَالاً لَأَبْوَابِ الْهَلَاكَةِ»:

- ۱ کلید درب‌های هدایت و قفل برای درهای هلاکت در میان بندگان خداست!
- ۲ عده‌ای از بندگان خوب خدا برای درهای هدایت کلید هستند و برای درب هلاکت قفل!
- ۳ در میان بندگان خدا کسانی هستند که کلید درب هدایت هستند و حال این‌که قفلی بوده‌اند برای درب تباهی!
- ۴ از میان بندگان خدا کسانی هستند که کلیدهایی برای درهای هدایت گردیدند و قفل‌هایی برای درهای هلاکت!



اگر سؤال ترجمه یا تعریب، فعل ماضی ساده داشت آن را دقیقاً شناسایی کنید یعنی فعل دیگری را با ماضی ساده اشتباه نگیرید. صیغه‌ی فعل را نیز دقیقاً شناسایی کنید تا فعل طبق صیغه‌ی خود ترجمه شود.



۱- «لَمْ» فعل مضارع را مجزوم می‌کند.

ملاک ما در تشخیص جواب فعل است. فعل «صاروا» را پیدا می‌کنیم. این فعل، ماضی و در صیغه‌ی جمع مذکر غایب (هَم) می‌باشد. مطابق با درسنامه آن را به صورت گذشته‌ی ساده و در صیغه‌ی جمع مذکر غایب ترجمه می‌کنیم: «صاروا: گردیدند» همان‌طور که می‌بینید فقط در گزینه‌ی (۴) «صاروا» صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



یکی از روش‌های تسهیل سؤالات ترجمه و تعریب، توجه به جمع و مفرد بودن اسم‌ها است، اگر در جمله اسم یا اسم‌هایی به صورت جمع مکتسر یا سالم وجود دارند در ترجمه نیز باید به همان صورت جمع ترجمه شوند و اگر مفرد باشند باید در ترجمه نیز مفرد ظاهر شوند:

تلامیذ: دانش‌آموزانی      التلامیذ: دانش‌آموزان  
تلمیذ: دانش‌آموزی، یک دانش‌آموز      التلمیذ: دانش‌آموز

در صورت سؤال اسم «مفاتیح» را پیدا می‌کنیم. «مفاتیح» اسم جمع و نکره به معنای «کلیدهایی» می‌باشد. در ترجمه نیز باید به صورت جمع و نکره بیاید ولی «مفاتیح» در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) مفرد ترجمه شده است و نادرست می‌باشد، بنابراین فقط گزینه‌ی (۴) صحیح است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



«أَقْفَالاً»، اسم جمع و نکره است اما در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به صورت مفرد ترجمه شده و نادرست است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



به ترکیب «أَبْوَابُ الْهَلَاكَةِ» توجه کنید. این ترکیب مضاف و مضاف‌الیه و به معنی «درهای هلاکت» می‌باشد که در گزینه‌های (۲) و (۳) اشتباه ترجمه شده‌اند. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]  
۲- به ابتدای عبارت سؤال دقت کنید، در عبارت «مِنْ عِبَادِ اللَّهِ...»، حرف «مِنْ» به معنی «از» می‌باشد که در گزینه‌ی (۱) به صورت «در» ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)]  
جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.



۱- «مَنْ» موصول عام است که در این‌جا به صورت «کسانی هستند که» ترجمه می‌شود ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) اصلاً این کلمه ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

۲- به گزینه‌ی (۳) توجه کنید، در این گزینه عبارت «و حال این‌که» اضافی ترجمه شده است و ما در صورت سؤال جمله‌ی حالیه نداریم پس به اشتباه و اضافه در ترجمه آورده شده است. [رد گزینه‌ی (۳)]  
جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

انسانی ۹۰

مثال

«شعرت بأن الشیطان یقهقهه و یسخر منّی عند عصیانی ربّی!»:

- ۱ گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی‌که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲ هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
- ۳ هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه‌ی شیطان واقع شده‌ام!
- ۴ احساس کردم گویی این قهقهه‌ی شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!



۱- «شعرت» فعل ماضی ساده و در صیغه متکلم وحده (أنا) می‌باشد.



اگر معنای اصلی و مصدری خود فعل را نمی‌دانید معمولاً می‌توانید با نگاه کردن به گزینه‌ها به آن پی ببرید، مثلاً در این سؤال با نظر به گزینه‌ها در می‌یابید که این فعل از ماده «احساس کردن» است سپس با توجه به زمان و صیغه فعل آن را ترجمه می‌کنیم: «احساس کردم»  
معنای فعل را به دست می‌آوریم و این معنا را در گزینه‌ها جست‌وجو می‌کنیم.

در گزینه‌ی (۱) اصلاً این فعل ترجمه نشده و معادلی ندارد، در گزینه‌ی (۳) «احساس می‌کنم» مضارع ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]  
۲- «قهقهه‌ی شیطان است» جمله اسمیه است ولی «یقهقهه» فعل مضارع است و باید به صورت فعل ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۴)] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



«یقهقهه» فعل مضارع در صیغه مفرد مذکر غایب به معنای «قهقهه می‌زند» می‌باشد که فقط در گزینه‌ی (۲) به درستی ترجمه شده است. دقت کنید «قهقهه می‌زد» در گزینه‌ی (۱) ماضی استمراری است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.



۱- «یسخر» فعل مضارع و به معنای «مسخره می‌کند» می‌باشد ولی در گزینه‌ی (۱) به صورت ماضی استمراری ترجمه شده و در گزینه‌ی (۳) نیز اصلاً به صورت فعل ترجمه نشده است و هر دو ترجمه نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]  
۲- تنها دو گزینه برای ما باقی مانده است. به گزینه‌ی (۴) توجه کنید. عبارت «قهقهه‌ی شیطان» یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است و معادلی برای آن در صورت سؤال وجود ندارد. [رد گزینه‌ی (۴)]  
جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

«أخذتني الدهشة عندما شاهدت اجتهد زميلاتي في أداء واجباتهن أكثر من غيرهن!»:

۱ آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که بیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!

۲ وقتی سعی رفقایم را بیشتر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فراگرفت!

۳ آن‌گاه که فعالیت همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیف بیشتر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!

۴ وقتی تلاش همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فراگرفت!



راه حل ۱

یکی از روش‌های تسهیل حل سؤالات ترجمه و تعریب، دقت در ترجمه ضمائر متصل است. ضمائر متصل حتماً باید ترجمه شوند، مثلاً عبارت «حَمَلَ التلميذ محفظته» با توجه به ضمیر متصل «ه» باید به یکی از صورت‌های زیر ظاهر شود:

(۱) دانش‌آموز کیفش را برداشت.

(۲) دانش‌آموز کیف خود را برداشت.

(۳) دانش‌آموز کیف خویش را برداشت.

یعنی ضمیر متصل حتماً باید ترجمه شود. البته باید تناسب معنایی جمله را نیز در نظر گرفت: مثلاً «محفظته» به چهار صورت «کیفش، کیف او، کیف خود، کیف خویش» قابل ترجمه است اما حالت دوم آن با جمله تناسب ندارد.

و به خلاف این قضیه، اگر ضمیر متصل وجود نداشت؛ نباید در ترجمه، ضمیر متصل آورده شود: مثلاً عبارت «حمل التلميذ المحفظة» را نمی‌توان مانند بالا ترجمه کرد بلکه باید بدون ضمیر ترجمه شود. یعنی: «دانش‌آموز کیف را برداشت».

۱- «واجباتهن» در صورت سؤال به همراه ضمیر آمده است ولی در گزینه‌ی (۳) بدون ضمیر آورده شده است. [ردگزینه‌ی (۳)]

۲- عبارت «أكثر من غيرهن» به معنی «بیش‌تر از دیگران» می‌باشد که ضمیر متصل «هن» حتماً باید ترجمه شود ولی در گزینه‌ی (۲) ترجمه نشده است. [ردگزینه‌ی (۲)]

۳- «شاهدت» فعل ماضی ساده در صیغه‌ی متکلم وحده است ولی در گزینه‌ی (۱) مضارع ترجمه شده و نادرست است. [ردگزینه‌ی (۱)]

جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

«انکسر ضوء الشمس في قطرات الماء الصغيرة عند نزول المطر و حدث قوس قزح»:

- ۱ نور خورشید در قطرات کوچک آب، هنگام باریدن باران شکست و قوس قزح به وجود آمد.
- ۲ اشعه‌ی آفتاب در قطرات کوچکی از آب، وقت نزول باران شکسته شد و قوس قزح را تشکیل داد.
- ۳ در وقت نزول باران نور آفتاب در قطره‌های ریز آب شکسته می‌شود و رنگین‌کمان حادث می‌گردد.
- ۴ هنگام بارش باران، نور خورشید در قطره‌های ریزی از آب شکسته می‌شود و رنگین‌کمان تشکیل می‌گردد.



برای حل این تست می‌خواهیم از فعل‌ها استفاده کنیم. «انکسر» فعل ماضی معلوم در صیغه‌ی مفرد مذکر غایب می‌باشد ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) مضارع ترجمه شده و نادرست است و در گزینه‌ی (۲) نیز این فعل را مجهول ترجمه کرده، که نادرست است. [ردگزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



در زبان عربی هنگامی که صفت و موصوف وجود دارد و مضاف‌الیه نیز موجود است مضاف‌الیه بر صفت مقدم می‌شود. به عنوان مثال عبارت «قطرات کوچک آب» در زبان فارسی از «موصوف، صفت و مضاف‌الیه» تشکیل شده است اما همین عبارت در زبان عربی به صورت «موصوف، مضاف‌الیه و صفت» ظاهر می‌شود یعنی «قطرات الماء الصغيرة» (که ترجمه‌ی لفظ به لفظ این عبارت یعنی «قطرات آب کوچک» و در زبان فارسی به کار نمی‌رود).

- ۱- با توجه به مطلب بالا ترجمه‌ی «قطرات الماء الصغيرة» که یک ترکیب وصفی اضافی است به صورت «قطرات کوچک آب» صحیح است. [ردگزینه‌های (۲) و (۴)]
- ۲- «حدث» فعل ماضی در صیغه‌ی للغائب می‌باشد ولی در گزینه‌های (۳) و (۴) به صورت مضارع ترجمه شده و نادرست است. [ردگزینه‌های (۳) و (۴)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

#### فعل ماضی نقلی

از فعل ماضی ساده به همراه حرف «قد» در ابتدای آن تشکیل می‌شود.

قد دَهَبَ (رفته است)    قد دَهَبَا (رفته‌اند) و ... قد دَهَبْتُ (رفته‌ام)    قد دَهَبْنَا (رفته‌ایم)

این فعل در حالت منفی به دو شکل زیر ظاهر می‌شود:

(۱) لَمْ يَدْهَبْ: نرفته است (حرف «لم» بر سر مضارع همین صیغه)

۲) لَمَّا يَذْهَبُ: (هنوز) نرفته است (حرف «لَمَّا» بر سر مضارع همین صیغه)  
یعنی خواهیم داشت: فعل ماضی نقلی در حالت مثبت: قَدْ ذَهَبَ: رفته است. فعل ماضی نقلی در حالت منفی ←  
لَمْ يَذْهَبْ، لَمَّا يَذْهَبْ (نرفته است)  
این فعل در صیغه‌های مختلف چنین است:  
لَمْ يَذْهَبْ یا لَمَّا يَذْهَبْ (نرفته است)      لَمْ يَذْهَبَا یا لَمَّا يَذْهَبَا (نرفته‌اند) ...  
لَمْ يَذْهَبْ یا لَمَّا يَذْهَبْ (نرفته‌ام)      لَمْ يَذْهَبْ یا لَمَّا يَذْهَبْ (نرفته‌ایم)  
**سؤال:** در ترجمه‌ی فعل ماضی ساده مشاهده کردید که منفی ماضی ساده نیز به صورت «لَمْ يَذْهَبْ» ظاهر می‌شود، پس از کجا باید دانست که «لَمْ يَذْهَبْ» منفی ساده است یا منفی نقلی؟  
به عبارات زیر دقت کنید:

لَمْ يَذْهَبْ التِّلْمِذُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ: دانش‌آموز به مدرسه نرفت (یا نرفته است)  
لَمْ يَذْهَبْ التِّلْمِذُ إِلَى الْبَيْتِ حَتَّى الْآنَ: دانش‌آموز تاکنون به خانه نرفته است.  
می‌بینید که با توجه به قرائن و شواهد جمله می‌توان دریافت که کدام معنا با جمله متناسب‌تر است.

خارج از کشور ۹۰

مثال

«تمام آنچه تا به حال از زندگی فهمیده‌ام این است که هیچ چیز نمی‌دانم!»، عَيْنَ الصَّحِيح:

- ۱) كُلَّ مَا قَدْ فَهَمْتُهُ مِنَ الْحَيَاةِ حَتَّى الْآنَ، هُوَ أَتْنِي لِأَدْرِي شَيْئاً
- ۲) مَا فَهَمْتُهُ كُلَّهُ مِنَ الْعَيْشِ إِلَى الْآنَ، هُوَ هَذَا أَتْنِي لَا أَعْلَمُ شَيْئاً
- ۳) جَمِيعَ مَا أَنَا عَلِمْتُ مِنْ حَيَاتِي إِلَى هَذِهِ اللَّحْظَةِ فَقَطْ أَتْنِي لَسْتُ أَدْرِي أَمراً
- ۴) كُلَّمَا أَخَذْتُ أَفْهَمَهُ مِنْ عَيْشِي حَتَّى عَمْرِي هَذَا، أَدْرِي أَتْنِي لَا عِلْمَ لِي أَبداً!



این سؤال از جمله سؤالات تعریب است که شما باید تعریب صحیح متن فارسی را پیدا کنید  
در سؤالات تعریب نیز کلیدهای حلّ ما همان کلیدهای حلّ سؤالات ترجمه هستند.  
به صورت سؤال نگاه کنید، «فهمیده‌ام» فعل ماضی نقلی است و باید طبق الگوی ماضی نقلی در زبان عربی تعریب شود بنابراین باید به صورت «قد + فعل ماضی» تعریب شود. با نگاه به گزینه‌ها می‌بینیم که فقط در گزینه‌ی (۱) بر سر فعل ماضی «قد» وارد شده «قد فهمته» و در گزینه‌های دیگر نیز این فعل نادرست تعریب شده است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- در عبارت سؤال دقت کنید «زندگی» ضمیر ندارد بنابراین در تعریب آن نیز نباید ضمیری آورده شود پس «حیاتی» و «عیشی» در گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]  
۲- عبارت «تمام آن چه ...» در صورت سؤال باید مبتدای عبارت عربی باشد یعنی به صورت جمله‌ی اسمیه تعریب گردد ولی در گزینه‌ی (۲) مفعول به و به صورت جمله‌ی فعلیه تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



۱- «نمی‌دانم» فعل مضارع و منفی است و تعریب آن به صورت «لا + فعل مضارع» می‌باشد که در گزینه‌های (۳) و (۴) رعایت نشده است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]  
 ۲- در گزینه‌ی (۲) به انتهای «کَلَّ» ضمیر «ه» متصل شده است که در صورت سؤال معادل ندارد. [رد گزینه‌ی (۲)] جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

خارج از کشور ۸۹

مثال

«دانشمندان ما در طول حیات پربار خویش رنج و زحمت بسیاری را تحمّل کرده‌اند!»:

۱. إِنَّ علماءنا كانوا قد تحمّلوا الكدح و النصب الكثير أثناء حياتهم المفيدة!
۲. كان علماءنا تحمّلوا النصب و التعب كثيراً في طول حياتهم النافعة!
۳. علماءنا كانوا يتحمّلون الأسى و التعب الكثير أثناء حياتهم المثمرة!
۴. قد تحمّل علماءنا الكدح و التعب الكثير طول حياتهم المثمرة!



«تحمّل کرده‌اند» ماضی نقلی است و تعریب آن به صورت «قد + فعل ماضی» در هیچ یک از گزینه‌ها به جز گزینه‌ی (۴) رعایت نشده است. در ماضی نقلی «كان» وجود ندارد پس در گزینه‌ی (۱) هم تعریب این فعل غلط است. [رد سایر گزینه‌ها] جواب گزینه‌ی (۴) می‌باشد.

انسانی ۸۸

مثال

«إِنَّ العلماء المسلمين قد نشروا الحضارة و الثقافة الإسلامية و جعلوا بلادهم في حالة التقدّم و الازدهار العلمي!»:

۱. علمای مسلمین فرهنگ و تمدن اسلام را انتشار داده، وطن خود را به حالتی از ترقی و پیشرفت علمی سوق داده‌اند!
۲. علمای مسلمان باعث نشر تمدن و فرهنگ اسلامی شدند و سرزمین‌های خود را به‌سوی پیشروی و رشد علمی برده بودند!
۳. دانشمندان مسلمان، تمدن و فرهنگ اسلامی را منتشر کرده‌اند و سرزمین خویش را در حالت پیشرفت و شکوفایی علمی قرار داده‌اند!
۴. دانشمندان مسلمین مدنیت و فرهنگ اسلامی را گسترش داده بودند و سرزمین‌های خود را در حالتی از ترقی و شکوفایی دانش قرار دادند.



۱- «قد نشروا» فعل ماضی نقلی است و باید توجه داشته باشید که فعل «جعلوا» توسط «واو» عاطفه به فعل «نشروا» عطف شده است و حرف «قد» بر روی آن نیز تأثیر می‌گذارد و باید به صورت ماضی نقلی ترجمه شود. یعنی هر دو فعل «نشروا» و «جعلوا» تحت تأثیر حرف «قد» هستند و باید ماضی نقلی ترجمه شوند: «منتشر کرده‌اند» و «قرار داده‌اند»  
 به گزینه‌ها نگاه کنید در گزینه‌ی (۲) فعل «جعلوا» و در گزینه‌ی (۴) «قد نشروا» به صورت ماضی بعید ترجمه شده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]



یکی از روش‌های تسهیل سؤالات ترجمه و تعریب، توجه به ترجمه‌ی «موصوف و صفت» و «مضاف و مضاف الیه» است. توجه داشته باشید که تفاوت میان ترکیب وصفی (موصوف و صفت) و ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) کاملاً در ترجمه ظاهر می‌شود.

الثقافة الإسلامية	تمدن اسلامی (موصوف و صفت)
ثقافة الاسلام	تمدن اسلام (مضاف و مضاف الیه)

[توضیح بیش‌تر این مطلب در ادامه خواهد آمد. ( می‌توانید به قسمت ترجمه‌ی مضاف و مضاف الیه و موصوف و صفت مراجعه کنید)]

۲- طبق مطلب بالا «الثقافة الإسلامية» یک ترکیب وصفی است و باید به صورت صفت و موصوف ترجمه شود یعنی «تمدن اسلامی» اما در گزینه‌ی (۱) به صورت ترکیب اضافی «تمدن اسلام» ترجمه شده و این ترجمه نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)] جواب گزینه‌ی (۳) می‌باشد.

ریاضی ۸۸

مثال

«در واقع این دانشمندان مسلمان هستند که پدیده‌ی رنگین‌کمان و علت به‌وجود آمدنش را کشف کرده‌اند!»:

- ۱ الواقعية أَنَّ العلماء مسلمين هم الَّذِينَ يكتشفون ظاهر قوس قزح و سبب إحداثه!
- ۲ الواقع أَنَّ العلماء المسلمين هم الَّذِينَ قد اكتشفوا ظاهرة قوس قزح و سبب حدوثها!
- ۳ الحقيقة أَنَّ الحكماء المسلمين هم الَّذِينَ قد اكتشفت ظاهر قوس قزح و سبب حدوثه!
- ۴ في الواقع أَنَّ العلماء المسلمون هم الَّذِينَ قد اكتشفوا ظاهرة قوس قزح و سبب حدوثها!

۱- فعل «کشف کرده‌اند» ماضی نقلی است پس در تعریب نیز باید ماضی نقلی تعریب شود.

اما در گزینه‌ی (۱) به‌صورت مضارع تعریب شده و نادرست است. [رد گزینه‌ی (۱)]

۲- همان‌گونه که قبلاً گفته شد علاوه بر توجه به زمان فعل در ترجمه و تعریب باید به صیغه‌ی فعل نیز توجه کرد و مطابق همان صیغه ترجمه و تعریب را انجام داد. در گزینه‌ی (۳) زمان فعل صحیح است اما صیغه‌ی فعل نادرست می‌باشد و باید به‌صورت جمع مذكر غایب تعریب شود؛ «قد اكتشفوا» [رد گزینه‌ی (۳)]

۳- در گزینه‌ی (۴) «حادث» معادل خوبی برای «به‌وجود آمدن» نمی‌باشد و باید به‌صورت مصدری تعریب شود یعنی به صورت «حدوث» [رد گزینه‌ی (۴)]

جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.





یکی از روش‌های تسهیل در حل برخی سؤالات ترجمه و تعریب توجه به تفاوت «صفت و موصوف» و «مضاف و مضاف‌الیه» است. می‌دانید که صفت در اعراب، جنس، تعداد و معرفه و نکره بودن تابع موصوف است. اما بین مضاف و مضاف‌الیه تبعیتی وجود ندارد و هر کدام کاملاً مستقل می‌باشند. (این مبحث در جای خود بیش‌تر توضیح داده خواهد شد.)

۱- «دانشمندان مسلمان» یک ترکیب وصفی (موصوف و صفت) است در نتیجه طبق مطلب بالا باید در اعراب، جنس، تعداد، معرفه و نکره تابع یکدیگر باشند. «العلماء» معرفه، اسم «ان» و منصوب است. بنابراین صفت آن نیز باید معرفه و منصوب بیاید اما در گزینه‌ی (۱) صفت آن به‌صورت نکره یعنی «مسلمین» آمده است و در گزینه‌ی (۴) صفت از نظر اعراب از موصوف تبعیت نکرده است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۲- به گزینه‌های (۲) و (۳) دقت کنید در این دو گزینه عبارت «پدیده‌ی رنگین کمان» به دو شکل متفاوت تعریب شده، در گزینه‌ی (۲) «ظاهرة...» و در گزینه‌ی (۳) «ظاهر...» توجه کنید که «ظاهر» به معنای «آشکار، نمایان و...» است و معادل صحیحی برای معنای «پدیده» نمی‌باشد. «ظاهرة: پدیده» [رد گزینه‌ی (۳)]

جواب گزینه‌ی (۲) می‌باشد.

تجربی ۸۹

مثال

«لن أنصرعَ معذرةً إلا إلى ربِّي، لأنِّي قد آمنتُ بأنَّه هو الغفار المتفصِّل علينا»:

- ۱ فقط به پروردگار عذرخواهانه التماس خواهیم کرد، زیرا من ایمان آورده‌ام که فقط اوست که نسبت به ما بسیار آمرزنده و کریم است!
- ۲ من جز به پروردگار خویش با تضرع عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که قطعاً اوست که در مورد ما هم آمرزنده و هم مهربان است!
- ۳ فقط نسبت به خدا با عذرخواهی التماس می‌نمایم! زیرا ایمان دارم اوست که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمرزد!
- ۴ جز از خدای خود عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمرزد!



«قد آمنتُ» فعل ماضی نقلی می‌باشد و باید به‌صورت «ایمان آورده‌ام» ترجمه شود که فقط در گزینه‌ی (۱) صحیح ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.



یکی دیگر از روش‌های حلّ سؤالات ترجمه و تعریب توجه به نوع جملات است همان‌طور که آگاهی دارید ما دو نوع جمله داریم:

۱- جمله‌ی اسمیه: **المؤمن صبورٌ** مؤمن صبور است.

۲- جمله‌ی فعلیه: **يَصْبِرُ المؤمنُ** مؤمن صبر می‌کند.

پس توجه داشته باشید که حتماً جملات اسمیه و فعلیه به درستی ترجمه شوند بلکه گاهی اوقات به خاطر به خطا انداختن دانش آموز جملات اسمیه و فعلیه را برعکس و جابه‌جا ترجمه می‌کنند به عنوان نمونه به مثال‌های زیر توجه کنید.

**المؤمن صبورٌ** مؤمن صبر می‌کند.

**يصبر المؤمن** مؤمن صبور است.

هر دو ترجمه غلط می‌باشد و جمله‌ی اسمیه به صورت جمله‌ی فعلیه و جمله‌ی فعلیه به صورت جمله‌ی اسمیه ترجمه شده و نادرست است.

۱- دقت کنید عبارت «بأنه هو الفقار المتفضل علينا» یک جمله‌ی اسمیه است. اما در گزینه‌ی (۳) به صورت «که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمزد!» و در گزینه‌ی (۴) به صورت «که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمزد!» ترجمه شده است که هر دو این گزینه‌ها جمله‌ی اسمیه را به صورت جمله‌ی فعلیه ترجمه کرده و نادرست است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]



از روش‌های حلّ سؤالات ترجمه و تعریب توجه به منصوبات می‌باشد (این بحث در ادامه به صورت مفصل‌تر خواهد آمد) یکی از منصوبات حال می‌باشد که معادل آن در زبان فارسی همان قید حالت می‌باشد. پس در صورت مشاهده‌ی حال در متن عربی آن را باید به صورت قیدی یا قید حالت ترجمه کنید و همچنین اگر در متن فارسی به قید حالت برخوردید باید آن را به صورت حال تعریب نمایید؛

**مثال:** جاء التلميذ ضاحكاً دانش آموز خندان آمد.

مؤمن در دنیا سپاس‌گزارانه زندگی می‌کند **يعيش المؤمن في الدنيا شاكراً.**

۲- با توجه به مطلب بالا کلمه‌ی «معتذرة» حال و منصوب است ولی در گزینه‌ی (۲) این کلمه به صورت فعل ترجمه شده که کاملاً غلط است. [رد گزینه‌ی (۲)]  
جواب گزینه‌ی (۱) می‌باشد.

فعل ماضی استمراری

از فعل «کان» به همراه یک فعل مضارع ساخته می‌شود:

کان یذهب (می‌رفت)      کانا یذهبان (می‌رفتند)، ...  
کنت اذهب (می‌رفتم)      کنا نذهب (می‌رفتیم)

منفی فعل ماضی استمراری را می‌توان به چند شکل آورد، زیرا این فعل دو قسمتی است و می‌توان هر یک از دو قسمت را منفی نمود. (دقت کنید فقط یکی از دو فعل منفی می‌شود)  
(۱) برای منفی کردن «کان» مانند فعل ماضی به دو طریق عمل می‌کنیم:

کان <sup>منفی</sup> ← ما کان، لم یکن <sup>(۱)</sup> یعنی داریم: ما کان یذهب، لم یکن یذهب (نمی‌رفت)

(۲) اگر «یذهب» منفی شود به همراه «لا» منفی می‌شود: یذهب <sup>منفی</sup> ← لا یذهب  
یعنی داریم: کان لا یذهب

پس خواهیم داشت:

فعل ماضی استمراری در حالت مثبت:

کان یذهب (می‌رفت)      فعل ماضی استمراری در حالت منفی ← ما کان یذهب (نمی‌رفت)، لم یکن یذهب (نمی‌رفت)،  
کان لا یذهب (نمی‌رفت)

• دو فعل تشکیل‌دهنده‌ی ماضی استمراری چه در حالت مثبت و چه در حالت منفی،

باید در صیغه، با هم مطابقت داشته باشند.

کان یذهب	کنت تذهب
کانا یذهبان	کنتما تذهبان
کانوا یذهبون	کنتم تذهبون
کانت تذهب	کنت تذهبین
کانتا تذهبان	کنتما تذهبان
کن یذهبن	کنتن تذهبن

برای منفی سه حالت وجود دارد:

**حالت اول:** در ابتدای چهارده صیغه‌ای که صرف شد حرف «ما» بیاورید:

ما کان یذهب، ما کانا یذهبان ... ما کنت اذهب، ما کنا نذهب

۱- در قسمت ماضی ساده بیان شد که «لم» به همراه فعل مضارع معنایی معادل منفی ماضی ساده را دارد. دقت کنید فعل «یکن» در اصل «یکون» بوده که حرف عله‌ی آن حذف شده است.